

ای متوجهین بمنظر اعلی در لیل و نهار و صبح و مساء...

حضرت عبدالبهاء

Original English



۲۰۷

ای متوجهین بمنظر اعلی در لیل و نهار و صبح و مساء عشی و ضحی در عوالم قلب و روان بذکر احبای رحمن مشغول بوده و هستم و از حق تأیید و توفیق میطلبم که احبای آن خاک پاک ارض مقدسه را در جمیع مراتب اخلاق و اطوار و گفتار و رفتار و شئون و آثار ممتاز فرماید و بجدب و وله و شوق و عرفان و ایقان و ثبوت و رسوخ و اتحاد و اتفاق در انجمن عالم با رخی روشن و جمالی چون گلشن محشور نماید.

ای احبای الهی الیوم یوم اتحاد است و روز روز یگانگی در عالم ایجاد ان الله یحبّ الذین یجاهدون فی سبیلہ صفّاً کانهم بنیان مرصوص ملاحظه فرمائید که صفّاً میفرماید یعنی جمیع مرتبط و متصل بهم و ظهیر یکدیگر مجاهده در این آیه مبارکه در این کور اعظم بسیف و سنان و رماح و سهام نبوده بلکه بنوایای صادقه و مقاصد صالحه و نصابح نافع و اخلاق رحمانیه و افعال مرضیه و صفات ربانیه و تربیت عمومیه و هدایت نفوس انسانیه و نشر نفحات روحانیه و بیان براهین الهیه و اقامه حجج قاطعه صمدانیه و اعمال خیریه بوده و هست.

و چون نفوس مقدسه بقوت ملکوتیه بر این شیم رحمانیه قیام نمایند و صف اتحاد بیاریند هر یک از این نفوس هزار ماند و امواج این بحر اعظم حکم افواج جنود ملا اعلی یابد این چه موهبتی است که کلّ چون سیول و انهار و جداول و سواقی و قطرات در یک صقع واحد جمع گردد بحر اعظمی تشکیل گردد و چنان وحدت اصلیه غالب و فائق شود که آثار و احکام و تعینات و تشخصات وجود وهمی این نفوس چون قطرات بکلی محو و فانی شود بحر وحدت روحانیه موج زند.



ORIGINAL



AUDIO

قسم بجمال قدم که در این وقت و حال فیوضات اکبر چنان احاطه نماید و قلزم کبریاء چنان فیضان کند که وسعت خلجان چون دریای بی پایان گردد و هر قطره حکم قلزم بیکران یابد.

ای احبای الهی بکوشید تا باین مقام بلند اعلی فائز شوید و چنین نورانیتی در این اکوان ظاهر و عیان کنید که اشراقش از مطلع آفاق جاودان مبذول گردد این است اس اساس امر الهی این است جوهر شریعت ربّانی این است بنیان رزین رصین مظاهر رحمانی این است علت ظهور شمس جهان الهی این است سبب استواء رحمن بر عرش جسمانی .

ای احبای الهی ملاحظه کنید حضرت اعلی روح العالمین له الفداء بجهت این مقصد جلیل صدر مبارک را سپر سهام بلایا فرمودند و چون اصل مقصود جمال قدم روح ملاً الأعلی له الفداء این مقصد اعظم بود حضرت ربّ اعلی در این سبیل سینه مبارکرا هدف هزاران رصاص اهل ضغینه و بغضا نمودند و بمظلومیت کبری شهید شدند و هزاران دماء مطهره نفوس مقدسه رحمانیه در این راه بر خاک ریخته و بسا اجساد مبارک که احبای خلص حضرت ربّانیه مدار آویخته.

نفس مبارک جمال ابهی روح ملکوت الوجود لأحبائه الفداء حمل جمیع بلایا فرمودند و اشدّ رزایا قبول کردند اذیتی نماند که بر آن جسد مطهروارد نیامد و مصیبتی نماند که بر آن نازل نگشت بسا شها که در تحت سلاسل از ثقل اغلال نیارمیدند و چه بسیار روزها که از صدمات کند و زنجیر دقیقه آرام نیافتند از نیاوران تا طهران آن روح مصور را که در بالین پرند و پرنیان پرورش یافته بود سر و پای برهنه با سلاسل و زنجیر دواندند و در زندان تنگ و تاریک در زیر زمین با قاتلین و سارقین و عاصین و یاغین محشور نمودند و در هر دقیقه اذیت جدیدی روا داشتند و در هر آنی وقوع شهادت یقین کلّ بود بعد از مدتی از وطن بدیار غربت فرستادند سنین معدودات در عراق هر آنی سهمی بر صدر مبارک وارد و در هر نفسی سیفی بر جسد مطهر نازل ابداً دقیقه امنیّت و سلامت مأمول نبود و اعداء با کمال بغضا از جمیع جهات مهاجم بنفس مبارک فرداً و حیداً مقاومت کل میفرمودند بعد از جمیع بلایا و صدمات از عراق که قاره آسیا است بقاره اروپا انداختند و در آن غربت شدید و مصیبت عظیمه اذیّات شدید و مهاجمات عظیمه و دسائس و مفتریات و عداوت و ضغینه و بغضای اهل بیان ضمیمه صدمات وارده از اهل فرقان شد دیگر قلم عاجز از تفصیل است البتّه شنیده و مطلع شده‌اید و حال مدّت بیست و چهار سال بود که در این بیجن اعظم باعظم محن و بلایا اوقات مبارک گذشت.

مختصر این است که مدّت اقامت جمال قدم روح الوجود لمظلومیته الفداء در این جهان فانی یا اسیر زنجیر بودند و یا در زیر شمشیر و یا در شدت آلام و محن بودند و یا در بیجن اعظم هیکل مطهر از شدت ضعف از بلا چون آه شده بود و جسد مکرم از کثرت مصائب بمثابه تاری گشته بود مقصود مبارک از حمل این ثقل اعظم و جمیع این بلایا که چون دریا موجش باوج آسمان میرسد و حمل سلاسل و اغلال و تجسم مظلومیت کبری اتفاق

و اتّحاد و یگانگی من فی العالم بود و ظهور آیه توحید الهی بالفعل بین امم تا وحدت مبدء در حقائق موجوده نتیجه خاتمه گردد و نورانیّت لن تری فی خلق الرحمن من تفاوت اشراق کند.

حال ای احبّای الهی وقت کوشش و جوشش است همّت بگارید و سعی کنید و چون جمال قدم روحی لتراب مقدم احبّائه الفداء شب و روز در مشهد فداء بودند ما نیز سعی کنیم و جانی نثار نمائیم و وصایا و نصائح الهی را بگوش هوش بشنویم و از هستی محدود خود بگذریم و از خیالات باطله کثرات عالم خلق چشم پوشیم و این مقصد جلیل و مقصود عظیم را خدمت کنیم این شجره را که دست موهبت الهیه نشانده باوهامات خود قطع نمائیم و این انوار ساطعه ملکوت ابهی را بغمام تیره اغراض و اوهام مستور نکنیم و امواج بحر کبریا را سدّ حائل نشویم و نفحات قدس ریاض جمال ابهی را حاجز از انتشار نگردیم فیضان نیشان فضل را در این یوم وصل قطع نمائیم و شعاع آفتاب حقیقت را زوال نجوئیم هذا ما وصّی الله به فی کتبه و زبره والواحه المقدّسه النّاطقة بوصایاه علی العباد المخلصین.

و البهاء علیکم ورحمة الله و برکاته *